

l'Humanité

LE JOURNAL FONDÉ PAR JEAN JAURÈS

مارکس و انگلس: چند نکته مهم و کلیدی در مورد ویروس

نوشته Serge Ressiguier پرفسور اگروه ادبیات کلاسیک

ترجمه باقر جهانبانی

این واگیری که تقریباً از چهار ماه پیش در سطح کره زمین بشر را مورد حمله قرار داده بی شک واقعه ایست دهشتناک، اما باید به طور نسبی در نظر گرفته شود (متاسفم اگر برخی را شوکه می کنم): تا به امروز (۱)، ۸۰ هزار کشته در مجموع کره و ۱۰ هزار در مورد فرانسه را در رابطه با ارقام زیر سالیانه در سطح فرانسه در نظر بگیریم: آنفولانزای سنتی ۹۰۰۰ کشته در سال، مرگ پیشرس بدلیل بیکاری ۱۴ هزار (مطالعات رسمی اینسرم)، مرگ ناشی از آلودگی هوا بین ۴۸ هزار تا ۹۰ هزار. در سطح جهانی قربانیان مسائل تنفسی: ۲.۶ میلیون نفر در سال است.

پس چرا این بار زندگی ما اینقدر تحت تأثیر قرار گرفته است؟ تا حدی به این دلیل که یکباره مفهوم حرکت و تکامل در نظر گرفته میشود، چیزی که تا کنون بطور سیستماتیک توسط ایدئولوژی مسلط به فراموشی سپرده شده بود، در واقع از خود می پرسیم: قدرت این ویروس نفرین شده تا چه حد است؟ تا

چه حد گسترش می یابد؟ همه اینها با اقدامات قرنطینه ای کاملاً غیرمعمول که هم رسانه‌ها حول آن هیاهو می کنند و هم انواع ترسها را برانگیخته است.

تصادف عجیب اینکه که مارکس در طول نگارش کتاب سرمایه، از استعاره «جوانه، نطفه» (۲) برای نشان دادن تکامل تاریخی استفاده میکند، اینکه واقعیت اجتماعی چگونه در شکل گیری دائمی است و تضادهای اجتماعی در درون شیوه قدیمی تولید منجر به ظهور سرمایه داری میشود؛ او حتی نشان می دهد چگونه سرمایه داری به نوبه خود در بطنش گذار انقلابی را می پرورد که زمینه (۳) را برای گذار بسوی زیست مشترک، همگانی، کمونیسم فراهم می آورد: «رشد آزادانه همه» (۴) با اجتماعی کردن وسائل تولید، که سرمایه داری آغازگر و در عین حال مصادره کننده آن بود «نیروهای مولد» را در انحصار طبقه ای در آورد که آنرا بسود خود منحرف نمود (با دستمزدی کردن اکثر فعالیتهای تولیدی)؛ به همین شکل در مورد بانکها، خدمات عمومی، جمع آوری اطلاعات، خلاقیت ها، استعدادها، فعالیت های مبارزاتی و صنفی.

به همین دلیل است که این مفهوم براندازانه حرکت، نباید فقط در مورد ویروس بکار گرفته شود، چنانکه که رسانه های سرمایه داری انجام می دهند. زیرا نباید دیواری بین طبیعت و جامعه کشیده شود و این دومین جنبه روند نگرش مارکسی است. نه، این ویروس یک پدیده صرفاً طبیعی و کشنده نیست) همانگونه که مطالعه جنبش اجتماعی را نمی توان از طبیعت جدا نمود: از همان ابتدای دست نوشته سال ۱۸۴۴ (۵)، مارکس تأیید می کند که «انسان بخشی از طبیعت است» و دوستش انگلس در خزان عمرش در کتاب دیالکتیک طبیعت همین را می گوید: «ما به طبیعت متعلق هستیم، با گوشتمان با خونمان و با مغزمان» و تنها برتریمان از دیگر حیوانات آنست «که قوانین طبیعت را میشناسیم و میتوانیم بدرستی از آنها استفاده کنیم» (۶). این همان چیزی است که سرمایه داری قادر به آن نیست.

بنابراین بین ویروس و سرمایه داری هیچ دیواری وجود ندارد، بلکه بر عکس کنشهای متقابل بسیاری بین آندو موجود است. ابتدا از سوی بالا: ویروس از آسمان نیفتاده است، گسترش آن ناشی از قطع درختان و ویران کردن جنگلهای بزرگ است (۷)، که موجب کوچ تعداد زیادی از حیوانات وحشی که زیست گاهشان نابود شده به شهرهای بزرگ است، حیواناتی که می توانند مستقیماً ویا غیر مستقیم انسان را آلوده کنند. و از سوی پائین: سه میلیارد انسان که آب و صابون ندارند تا دستهای خود را بطور مرتب شستشو دهند... و حتی در فرانسه قدرت ششم جهان، ما از انتخاب جامعه ای فاجعه بار که به

ما تحمیل شده رنج میبریم که ناگهان برای محدود کردن مخاطرات ویروس جز راه حل قرون وسطایی قرنطینه راه دیگری برایش باقی نمانده است: نابودی تحقیقات بنیادی، فشار لابراتوارهای داروئی و تلاش آنها برای سود کوتاه مدت، ویران کردن بخش صنایع خدمات بهداشت عمومی، به ویژه این کمبود باور نکردنی ماسک، تست آزمایشگاهی، ژل هیدرو الکلی، دستگاه تنفس مصنوعی، تختهای احیا، کارکنان بهداشتی... و مرگ و میر وحشتناک در آسایشگاه های سالمندان. مارکس قبلاً تقریباً ناتوانی سرمایه داری را برای ایجاد «ذخایر» در جهت منافع عمومی ذکر کرده بود. این روش «ذخیره کردن» در روند تولید اگرچه وجود دارد اما بویژه در جهت سود بری سرمایه داران از طریق احتکار و یا در شرایط بحران اقتصادی است (۸). عوارض این پیامدها در حوزه حقوق اجتماعی نیز احساس می شود: بیکاری موقت بسیاری با حقوق نامشخص، اجبار به کار گروهی دیگر در بخش های غیر اضطراری (و بدون هیچ گونه وسائل حفاظت از جمله در شرکت آمازون) ، در نهایت تحمیل ۶۰ ساعت کار در هفته تا آخر دسامبر. البته نبود امنیت اجتماعی و بهداشت پیشگیری را نباید فراموش کرد، که حتی امروزه وضعیت عمومی سلامت در مقاومت در برابر ویروس موثر است. مارکس پیشتر ارتباط اپیدمی و سلامت را به دلیل استثمار بیش از حد از کارگران ذکر کرده است (۹)... پیامد های نیز وجود دارند از نظر آزادی ها ، رسانه ها و چالش مردم شناختی (همبستگی انسانها ، یا نا همبستگی آنها؟): تبلیغات در مورد متهم کردن فرانسویها که گویا در اصل آنها مسئول همه گیری ویروس هستند، صف های افراد وحشت زده بدون اینکه حتی جرات داشته باشند از یک فاصله از هم منع خود استقبال کنند. (بله فاصله فیزیکی ، نه «فاصله اجتماعی») همانطور که سخنرانان رسمی می گویند...قطعاً ، سرمایه داری قادر به رودر روئی با چالش های جدید نیست.

سرانجام ، نه جنگ ، نه اتحاد مقدس: ویروس ناآگاه است ، او نیست که به ما اعلام جنگ می کند. از طرف دیگر ، در طول فعالیت ویروس ، مبارزه طبقاتی ادامه دارد ، حتی افزایش می یابد، و مانند هر بحران جدی دو فضای ممکن در برابر ما قرار می دهد(مفهوم بحران برای مارکس محوری است): یا یک یورش تازه اقتدار گرائی و سیاست ریاضتی سرمایه و پرداخت هزینه توسط مردم و پر کردن جیب انگل های مالی با میلیاردها دلار، یا به اصطلاح مشارکت بخش خصوصی با دولتی یا از طریق صندوق پس انداز بیمه ها، این قهرمان بهداشت و سلامت خصوصی سازی شده البته در بخشهای پر منفعت آن...و یا احیای مبارزات، و یک سیاست جایگزین واقعی با کنترل عمومی در همه بخشهای کلیدی و پیشروی به سوی یک انسان شناسی کمونیستی (۱۰) که در همه جا در حال «جوانه» زدن است: بسیاری از مردم فهمیده اند که کارمندان دولت که گویا بی فایده اند و سایر کارمندان باحقوق ناچیز که «هزینه» بر هستند، خلاصه همه کسانی که « هیچ حسابشان» نمی کنند، در شرایط بحرانی واقعا اساسی هستند؛ و یا

دست زدن های مردم هر شب در ساعت ۸ شب که «نشانه کوچک» (۱۱) دیگری از روزگار کنونی است که تخریب از پیش برنامه ریزی شده بیمارستان عمومی را در آینده پیچیده تر می کند؛ یا باز این اعتراض فمینیستی که عذرخواهی روزنامه لو پاریزین را موجب شد که در صفحه اول فقط از چهار مرد خواسته بود که به ما بگویند که «جهان بعد» چگونه باید باشد.

جهان بعدی ؟ همه چیز ممکن است ، وجلوی روی ماست. این وظیفه ماست که این «جوانه ونطفه» را پیروانیم (۱۲)

(۱) - ۸ آوریل ۲۰۲۰

(۲) - نه بار کلمه «نطفه» (ترجمه ژان پیر لوفور سرمایه) و یا حتی چهارده بار (ترجمه اصلی ژوزف روی نشر کلاسیک فلاماریون) در سه کتاب کاپیتال آمده؛ البته این مفهوم نزد مارکس بطور ثابت مورد استفاده قرار گرفته.

(۳) - «در حال حاضر کمونیسم وجود دارد» ، اشاره به عبارت فیلسوف بزرگ لوسین سوکه به تازگی در اثر کرونا ویروس در گذشت

(۴) - مانیفست حزب کمونیست ، پایان قسمت ۲

(۵) - گفتن اینکه زندگی جسمی و فکری انسان به طور غیرقابل تفکیک با طبیعت در ارتباط است ، به معنی این است که طبیعت به طور پایدار با خودش در ارتباط است ، زیرا انسان جزئی از طبیعت است (نسخه خطی صفحه ۶۲ ۱۹۶۲)

(۶) - دیالکتیک طبیعت ص ۱۴۱ ادیسیون سوسیال ۱۹۶۸

(۷) - مارکس: «روح اصلی تولید سرمایه داری، بیشترین سود در کمترین مدت است که در تضاد با کشاورزی است، که باید تولید خود را با همه شرایط وجود دائمی نسل های متوالی بشر در نظر گیرد. نمونه بارز این امر توسط جنگل ها ارائه شده است: بعضی اوقات آنها فقط در مواردی که متعلق به بخش خصوصی نباشند، کم و بیش به نفع مردم اداره می شوند». کتاب کاپیتال ۳ ص ۸۲۵ بند ۲.

(۸) - مارکس می نویسد: در یک جامعه کمونیستی برای تولید چیزهایی که هیچ «اثر مفید فوری ای ندارند جامعه باید از قبل مقدار کار را محاسبه کند» و این «برای مدت زمان طولانی، یک سال یا حتی طولانی تر»، چیزهایی که در شرائط معین ضروری خواهند بود. حالا بروید این را برای سرمایه داران توضیح دهید که ماسک ها، آزمایش ها، محلول های هیدروالکلی، دستگاه تنفس مصنوعی و غیره باید ذخیره شوند. صحبت از تحقیقات بنیادی به کنار. (کتاب سوم کاپیتال ۱۶ ص ۲۷۶)

(۹) - کاپیتال ۲.۱۰ ص ۲۶۸ «همان حرص کوری که رمق زمین را می گیرد، به ریشه نیرو های محرک جامعه حمله می کند. اپیدمی های دوره ای گواه این کاهش است به همان روشنی کاهش قد سربازان آلمانی و فرانسوی».

(۱۰) - مارکس یک انسان شناسی سرمایه داری را که با مفاهیم سن یا حتی روز و شب را بازی کرده تا به سرمایه داران اجازه دهد کودکان کار را به کام مرگ بکشند مسخره می کند، او از این طریق یک انسان شناسی کمونیستی را پیشنهاد می کند. این موضوع مورد علاقه لوسین سو بود. (کاپیتال ۶.۱۰ ص ۳۰۹)

(۱۱) - کاپیتال مقدمه چاپ اول ص ۶

(۱۲) – روزنامه لو پاریزین. با عکس ۴ مرد در صفحه اول « آنها جهان بعد را توضیح میدهند» (۵ آوریل ۲۰۲۰)